

مجلس علیه ماشه

از ان بی تی خارج می شویم؟

نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس پنجشنبه‌شب در گفت‌وگو با یک رسانه گفت: «در واکنش به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، طرح سفوریتی خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌بی‌تی) و پروتکل الحاقی آماده شده و هفته آینده در مجلس بررسی می‌شود.» به گفته حسینعلی حاجی‌دلیگانی براساس این طرح، ایران از ان‌بی‌تی و پروتکل الحاقی خارج می‌شود، هر گونه مذاکره با آمریکا و ۳ کشور اروپایی منع خواهد شد و همکاری‌های نظارتی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پایان می‌یابد. بعد از قانون شدن این طرح، وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی موظفند ظرف یک هفته گزارش اجرای آن را به مجلس ارائه کنند.

■ ■ ■

نشنال اینترست:

موشک ایرانی، بزرگ‌ترین تهدید

امنیت اسرائیل در آینده نزدیک است

نشریه آمریکایی نشنال اینترست در گزارشی تصریح کرد ایالات متحده و اسرائیل هنوز راه درازی تا بهره‌برداری از لیزرهای قدرتمند برای مقابله با تهدیدات موشکی دارند، در حالی که ایران در حال از نقای موشک‌های هایبرسونیک خود است. این نشریه تخصصی نظامی – دفاعی نوشت: «با وجود تلاش اسرائیل برای سانسور خسارت‌ها، تلفات و خسارت‌های سنگینی در اسرائیل بر اثر اصابت موشک‌های ایرانی ایجاد شد و همین موضوع نگرانی مقامات تل‌آویو را نسبت به توان موشک‌های هایبرسونیک ایران افزایش داده است.» نشنال اینترست همچنین درباره گزارش رسانه‌های اسرائیل درباره موشک «آخ‌الزمان» یا «رستاخیز» نیز واکنش نشان داد و نوشت طراحی چندکلاهکی موشک «آخ‌الزمان» خطر را برای اسرائیل افزایش می‌دهد و امکان حملات اشباع‌کننده را فراهم می‌کند که می‌تواند دفاع چندلایه اسرائیل را از هم بپاشد.

■ ■ ■

امام جمعه اردبیل: غرب، خلع سلاح

کامل ایران را می‌خواهد

آیت‌الله سیدحسین عاملی، امام جمعه اردبیل در خطبه‌های نماز جمعه‌بااستاد به‌سخنان مقامات سیاسی آلمان گفت «دولت آلمان اخیراً اعلام کرد برد موشکی ایران نباید بیشتر از ۳۰۰ کیلومتر باشد، یعنی خلع سلاح کامل. حالا ما متخاصمیم یا آنها؟» امام جمعه اردبیل نسبت به فعال‌سازی مکانیسم ماشه نیز واکنش نشان دادو گفت: «در برجام هرچه خواستند و تمام منویات خودشان را درج کردند کار کردیم. ما اینجا به برجام هیچ ضمانتی ندار اما اروپا حتی به یک بند آن عمل نکرد؛ یعنی حتی حرمت امضای خودش را هم رعایت نکرد.»

■ ■ ■

دوقطبی در رسانه‌های اجتماعی

بر سر مکانیسم ماشه

با اعلام طرح ۳ کشور اروپایی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه، کاربران شبکه‌های اجتماعی درباره این موضوع واکنش نشان داده و اظهارنظرهای متفاوتی کردند. براین اساس در شبکه اجتماعی ایکس، دوقطبی شدیدی پدید آمده است. برخی کاربران، محمدجواد ظریف را مقصر گنجانند این بند در متن برجام می‌دانند و با بازنشر ویدئوهای گفت‌وگوی او درباره اینکه‌اصلا مکانیسم ماشه‌ای وجود ندارد، سعی کردند شکلی از پاسخگویی از او را رقم بزنند و برخی دیگر با اتهام‌زنی به مسؤولانی که با عملکرد خود مسبب تصویب ۶ قطعنامه علیه ایران شدند، در درج‌ها با این عنوان که ۱۰ سال ۶ قطعنامه را معلق کرد، یاد می‌کنند معدودی از کاربران هم نوشته‌اند نباید در این میانه خیانت غربی‌ها در نقض عهد فراموش شود.

■ ■ ■

وزارت خارجه روسیه اظهارات

پر حاشیه صدر را تکذیب کرد

سخنگوی وزارت خارجه روسیه اظهارات محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر کمک اطلاعاتی روسیه به اسرائیل در جریان حمله به ایران را تکذیب کرد. «ماریا زاخارووا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه گفت: «این قبیل اظهارنظرها، شایعات جداگانه‌ای نیست، به صورت دوراهی رخ می‌دهد. این واقعیت که این شایعات ظاهر و منتشر شده، قبل از هر چیز، شایسته ارزیابی اصولی از سوی تهران است و ما این ارزیابی اصولی را بدیده‌ایم.» وی این دست اظهارات را جزئی از یک کمپین اطلاعات نادرست با هدف تضعیف مشارکت استراتژیک جامع بین کشورهای ایران و روسیه دانست. زاخارووا تصریح کرد: افرادی که چنین اظهارنظرهایی می‌کنند، نیروهایی هستند که هم با مسکو و هم با تهران دشمنی دارند.ما به‌وضوح می‌بینیم چگونه همین جعلیات باافاصله توسط غربی‌ها بازنشر می‌شود.

■ ■ ■

گروسی: باید از همه سایت‌های هسته‌ای ایران بازدید کنیم!

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: بازگشت به همه سایت‌ها در ایران کاملاً ضروری است. بازرسی انتخابی وجود ندارد. ایران نمی‌تواند بگوید به اینجا بیایید اما به نطنز یاصفهان نیایید، چون آنها مورد حمله قرار گرفته‌اند. به ادعای او، حمله یه تأسیسات هسته‌ای ایران جدی بوده و خسارتی ایجاد کرده و ممکن است نیاز به اقدامات امنیتی و احتیاطی باشد، هرچند مدعی است «هیچ ساینتی به دلیل حمله نظامی از بازرسی معاف نمی‌شود». پیش از این، وزارت اطلاعات ایران بر اساس اسنادی که از رژیم صهیونیستی به دست آورده، همکاری ویژه گروسی با رژیم صهیونیستی را افشا کرده بود. گروسی همچنین بارها همکاری‌های فراتر از تعهدات معمول ایران با بازرسان آژانس را کم‌اهمیت جلوه داده، آن هم در حالی که ۷۰ درصد بازرسی‌های آژانس بر برنامه هسته‌ای ایران تمرکز دارد. مدیرکل آژانس بارها با طرح ادعای محدودیت دسترسی برخی بازرسان، این محدودیت‌ها را «ضربه‌ای جدی» به توانایی نظارتی آژانس دانسته است.



آغاز فرآیند فعال‌سازی مکانیسم ماشه هم خلاف قوانین و حقوق بین‌الملل است و هم اقدامی علیه مذاکره

مکانیسم جنگ

به شورای امنیت سازمان ملل نرسید. در مقابل، ایران، چین و روسیه معتقدند طرح این شکایت، غیرقانونی است، چرا که اولاً طبق حقوق معاهدات، طرفی که خود نقض عهد می‌کند، نمی‌تواند نسبت به نقض عهد طرف دیگر در یک توافق یا قرارداد شکایت کند و از آنجا که اروپا در خروج آمریکا از برجام با این کشور همراهی کرده و تعهدات خود را مستقیماً در شورای امنیت طرح‌شود. این دومین باری است که اروپایی‌ها در پی فعال‌سازی مکانیسم ماشه هستند. بار نخست سال ۲۰۲۰ شکایت از ایران را در کمیسیون مشترک برجام است و تا سرنوشտ آن شکایت آشکار نشده، نمی‌توان شکایت دیگری با همان موضوع و استدلال طرح کرد. به موازات طرح شکایت از ایران، وزیر خارجه فرانسه

در صورتی که اولاً کارشناسان و ثانیاً وزرای خارجه نتوانند نسبت به حل و فصل اختلاف پدیدآمده اقدام کنند، موضوع به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شده و در شورا نسبت به ادامه لغو قطعنامه‌ها علیه ایران یا هر تصمیم دیگری از جمله تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ تصمیم‌گیری خواهد شد. با این حال، مطابق قطعنامه ۲۲۳۱ شکایت از هر یک از طرفین می‌تواند مستقیماً در شورای امنیت طرح‌شود. این دومین باری است که اروپایی‌ها در پی فعال‌سازی مکانیسم ماشه هستند. بار نخست سال ۲۰۲۰ شکایت از ایران را در کمیسیون مشترک برجام طرح کردند اما مهلت بررسی شکایت را به مدت نامعلومی تمدید کردند، در نتیجه آن شکایت هیچ‌گاه

نقض توافق توسط طرف مقابل، اجرای تعهدات را متوقف کنند، کاهش داده و این موضوع نمی‌تواند به عنوان «عدم پایبندی به توافق» و مبنای شکایت اروپا از ایران قرار گیرد. ۳- طبق قاعده حقوقی «حسن‌نیت» و «حقوق متقابل» از منظر حقوق بین‌الملل، طرفی که خود به تعهداتش پایبند نیست، نمی‌تواند از طرف مقابل انتظار داشته باشد به طور کامل به تعهداتش عمل کند. این اصل در ماده ۶ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات نیز منعکس شده‌است. در نتیجه تنها طرف‌هایی که کلاماً به برجام پایبند بوده‌اند، حق فعال‌سازی مکانیزم ماشه را دارند. ۳ کشور اروپایی که هم‌زمان با خروج آمریکا از برجام، از تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده پیروی کرده و اجرای تعهداتشان را متوقف کردند، حق استفاده از مزایای برجام (از جمله مکانیزم ماشه) با اعتراض به نقض تعهد طرف دیگر آیران ارا از خود سلب کرده‌اند. ۴- جانب‌داری و حمایت رسمی ۳ کشور اروپایی از حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای کشورهای در خرداد و تیر ۱۴۰۴، اقدامی واضح از سوی این کشورها برای محروم‌سازی ایران از حقوق مصرح در معاهده NPT برای بر‌خورداری همه کشورها از برنامه هسته‌ای و اقدامی ضد هدف و پایه برجام بوده و صلاحیت اروپا برای عضویت در برجام را محل خدشه قرار داده‌است.

با توضیحات ارائه‌شده می‌توان گفت استدلال ایران، روسیه و چین مبنی بر غیرقانونی بودن استفاده فرانسه، انگلیس و آلمان از مکانیزم ماشه دارای مبانی حقوقی قوی‌تری است.

تروئیکای اروپا در نامه‌ای به اعضای شورای امنیت سازمان ملل از قصد خود برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه خبر داد. این اقدام به منزله آغاز فرآیند فعال‌سازی مکانیسم ماشه است؛ فرآیندی که نهایتاً ۳۰ روز پس از در دستور کار قرار گرفتن این درخواست در شورای امنیت، تکمیل و آماده اجرا خواهد شد. مهم‌ترین نکته درباره این اقدام ۳ کشور اروپایی، مغایرت آن با مفاد برجام و قوانین بین‌المللی است. ایران، روسیه و چین اصل امکان استفاده اروپا از این مکانیزم پیش‌بینی‌شده در برجام را از نظر حقوق بین‌الملل غیرقانونی و غیرممکن می‌دانند. استدلال‌های حقوقی این ۳ کشور که در بیانیه‌ها و نامه‌های جداگانه هر یک از این کشورها به شورای امنیت سازمان ملل قید و به عنوان سند سازمان ملل ثبت شده، به این شرح است: ۱- خروج آمریکا از توافق، وضعیت حقوقی آن را تغییر داده‌است. کشورهای اروپایی دیگر نمی‌توانند ادعا کنند طرف «اصلی» و «کامل» در برجام هستند و به تنهایی حق فعال‌سازی مکانیزم ماشه را دارند، چرا که طبق متن برجام، کمیسیون مشترک برجام تنها‌مانی رسمیت دارد که تک‌تک کشورهای ۵+۱ در آن حضور داشته باشند. لیکن در وضعیت عدم حضور آمریکا، این کمیسیون قابلیت تشکیل نداشته که بتواند به درخواست اروپا برای فعال‌سازی مکانیزم ماشه رسیدگی کند.

۲- ایران کاهش تعهداتش را بر اساس بند ۲۶ برجام که به طرفین اجازه می‌دهد در صورت

اتحاد مقدس؛ راهبرد پایداریا واکنش تاکتیکی؟

راهبردی، بر خلاف تاکتیک، محدود به یک بحران مشخص نیست؛ این تنها نقش‌آفر است انسجام جامعه را در مواجهه با بحران‌های آتی حفظ کند، بلکه خود به‌مثابه یک ظرفیت بنیادین عمل می‌کند که امکان گسترش هنجارهای اجتماعی مطلوب و تحقق افق‌های تمدنی را فراهم می‌آورد. وحدت راهبردی از یک سو مبتنی بر شناسایی و تثبیت ارزش‌ها و باورهای ایجابی است؛ ارزش‌هایی که افراد مختلف، با گرایش‌های فکری و سیاسی متفاوت را حول آنها گرد هم می‌آورد و اتحاد را در یک انتخاب آگاهانه و پایدار تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، این وحدت زمانی آشکار می‌شود که بتواند خود را در نسبت با امری انضمامی به عینیت برساند؛ امری که محور استقرار وحدت در جامعه، چه در برابر تهدید و چه در شکل‌دهی تعینات اجتماعی قرار گیرد. به نظر می‌رسد در جنگ تحلیلی ۱۲ روزه، اقتدار نظامی و سیاسی ایران همان امر انضمامی بود که توانست وحدت را آشکار ساخته و پایداری ایرانیان را رقم بزند. چنین رویکردی در تحقق وحدت پایدار و مقاوم، نیازمند توجه به امور انضمامی است که در مواطن و مواقع مختلف، اهمیت بسزایی برای افراد و گروه‌های مختلف دارد. اموری از جمله معیشت و اقتصاد و فعالیت‌های روزمره فردی و اجتماعی در گروه‌های مختلف را می‌توان در زمره این امور انضمامی قرار داد.

وحدت شبکه‌ای و ضرورت گفت‌وگوی اجتماعی

وحدت پایدار در عصر تکرر ایده‌ها چگونه شکل می‌گیرد؟ اگرچه در عصر تکرر ایده‌های فکری و سیاسی، امکان تحقق وحدت نظری میان گروه‌های مختلف بعید به نظر می‌رسد اما وجود سرمایه مشترک تاریخی و فرهنگی، ما، امکان تحقق نوعی وحدت بر اصول مشترک را فراهم می‌آورد. سنت و فرهنگ تاریخی ما، اگر در گفت‌وگویی زنده و اجتماعی بازخوانی شود و به آزمون معاصر و کارآمدی درآید، شاید بتواند راهی به سوی وحدت پایدار بگشاید. تجربه همین وحدت اخیر نشان داد ایرانی امروز، هرچند در مظاهر زیستی آغشته به مدرنیته است اما هنوز ریشه‌هایی زنده دارد که در

در مفهوم «اتحاد مقدس» در بیان رهبری، امکان افق‌گشایی برای این دغدغه‌ها فراهم شود.

■ وحدت راهبردی در برابر وحدت تاکتیکی

تعبیر «اتحاد مقدس» نشان می‌دهد لازمه وحدت آن است که فراتر از واکنش تاکتیکی و موقت عمل کرده و به سطحی فراتر از سیاست و منفعت آنی ارتقا یابد. قدسی بودن وحدت، نشانه پیوند آن با ارزش‌های بنیادین جامعه است؛ ارزش‌هایی که هم در شریعت اسلامی و هم در سنت تاریخی ایرانیان ریشه دارد.

تقدس این انسجام، از یک سو تجلی پیوند آن با ایمان و اخلاق جمعی است؛ یعنی وحدت نه صرفاً به دلیل الزامات سیاسی و دستوری، بلکه به سبب وجدان اخلاقی و اعتقادات دینی و انسانی مشترک، از عزت و کرامت انسانی تا دفاع از حیثیت ملی تحقق می‌یابد. افراد در چنین وحدتی، فراتر از تعلقات شخصی و منافع لحظهای، نسبت به ارزش‌های بنیادین مشترک احساس تعهد می‌کنند. به تعبیر دیگر، قدسی بودن وحدت، بیانگر آن است که حتی کسانی را که لزوماً موافق شریعت اسلامی یا نظام سیاسی نیستند، در سطحی اخلاقی و معنوی و یک انسجام جمعی با دیگران پیوند می‌دهد. این همان تفقهایی است که «وطن‌دوستی» و «ایمان‌دینی» می‌توانند هم‌افزا شوند. از سوی دیگر، این قناست ریشه در حافظه تاریخی و سنت ایرانی دارد؛ تاریخ ایران، سرشار از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد در بزنگاه‌های تهدید ملی، اتحاد جامعه حول ارزش‌های مشترک، توانسته مقاومت و بقا را تضمین کند. در ناخودآگاه جمعی ایرانیان، یادآوری این تجربیات، احساس تعلق و مسؤولیت مشترک را تقویت می‌کند و زمینه را برای پدید آمدن انسجام ملی و سیاسی فراهم می‌آورد. اما چنین وجوه مقدسی از اتحاد، چگونه می‌تواند ظرفیتی برای استمرار این وحدت در آینده ایجاد کند؟ قدسی بودن وحدت، صرفاً بیانگر ظرفیتی اخلاقی – معنوی نیست بلکه ضرورت عبور و ارتقای آن از سطح واکنش مقطعی به سطح یک راهبرد بنیادین و پایدار را بیان می‌کند. وحدت

گفت اجرای اسنپ‌پک به معنی پایان دیپلماسی نیست و وزیر خارجه آمریکا نیز ضمن حمایت از این تصمیم ۳ کشور اروپایی تصریح کرد آمریکا همچنان آماده مذاکره مستقیم با ایران است. وب‌سایت خبری آکسیوس هم در خبری نوشت: ۳ قدرت اروپایی تأکید دارند در طول ۳۰ روز آینده پیش از آنکه تحریم‌ها اجرا شود، آماده مذاکره با ایران درباره توافق هسته‌ای هستند که می‌تواند روند بازگشت تحریم‌ها را متوقف کند. آکسیوس همچنین نوشت: وزرای خارجه فرانسه، آلمان، بریتانیا و مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی در تماس با وزیر خارجه آمریکا فعال‌سازی مکانیسم ماشه را به او اطلاع داد. در مقابل، وزیر امور خارجه در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل با بیان اینکه ایران همواره پذیرای دیپلماسی است، تصریح کرد: «با قاطعیت و به‌نحو متناسب با در نظر گرفتن مصالح عالیه ملی خویش به این اقدام ۳ کشور واکنش نشان خواهیم داد». سیدعباس عراقچی همچنین در گفت‌وگوی تلفنی با وزرای خارجه ۳ کشور اروپایی اقدام آنها را در این زمینه ناموجه، غیرقانونی و فاقد هر گونه مبنای حقوقی دانست. اسماعیل باقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز بازگرداندن قطعنامه‌های لغو‌شده علیه ایران را تبعیت از دستور آمریکا و آمریکا را ناقض بزرگ برجام دانست که به دنبال آن است با زور، برای خود حق پدید آورد. مرور یک هفته اخیر نشان می‌دهد حرکت اروپایی‌ها بیش از آنکه اقدام برای عملیاتی‌سازی یک طرح پیشینی باشد، تلاش برای قرار دادن ایران را به یک تجدیدنظر اساسی در برنامه هسته‌ای خود وادار کند. اروپا در پی آن است ایران تحت فشار، به بازرسی آژانس از تأسیسات هسته‌ای ایران، تعیین تکلیف ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد غنی‌شده خود و مذاکره مستقیم با آمریکا تن دهد. در حالی که ایران حتی در روزهای پس از جنگ ۱۲ روزه و انهدام تأسیسات هسته‌ای در فردو و نطنز، دیپلماسی را ترک نکرد. آخرین اتفاقات پیش از نامه اروپایی‌ها نشان می‌دهد این رویاست که ایده و طرحی مستقل از آمریکا در مواجهه با ایران هسته‌ای ندارد. جمعه هفته پیش، یعنی ۳۱ مرداد وزرای خارجه ۳ کشور اروپایی با سیدعباس عراقچی درباره این موضوعات صحبت کردند. سه‌شنبه هفته گذشته ۴ شهرویر – هم معاونان وزیر خارجه ایران و ۳ کشور اروپایی در ژنو مذاکره کردند و برخی منابع خارجی اعلام کردند بازدید از تأسیسات هسته‌ای بمباران شده، به عنوان پیش‌شرط مذاکرات آتی ایران و اروپا طرح شده است. روز چهارشنبه ۵ شهریور اعلام شد بازرسان آژانس که در ایران بودند، قرار است از راکتور بوشهر بازدید کنند. از سوی دیگر، طرح پیشینی شکایت از ایران از سوی ۳ کشور اروپایی در پی کنار زدن پیش‌نویس روسیه برای تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ با حمایت چین نیز روبه‌رو شد، تفسیر می‌شود. با این نگاه، اروپا در پی حل و فصل ماجرا نیست و به دنبال آن است آنچه در جنگ ۱۲ روزه و در تهاجم رژیم صهیونیستی به ایران حاصل نشد (تسلیم ایران) در مذاکره محقق شود. منظور اروپا از دیپلماسی، نه‌گذاشتن شمشیر داموکلس مکانیسم ماشه بالای سر ایران است تا سیاست «بپاهم هسته‌ای» که تا امروز در پی همکاری کامل سازمان انرژی اتمی، شورای عالی امنیت ملی، وزارت خارجه و مجلس شورای اسلامی، دست ایران را پس از جنگ بالا نگه داشته، پایان یابد. شکملاری با آژانس به شکل و سیاق گذشته زمینه را برای اخلاخل در برنامه هسته‌ای ایران فراهم می‌کند و مذاکره مستقیم ایران و آمریکا که خواسته رویاست – همان چیزی که در ۶ قطعنامه تعلیق‌شده بر اثر قطعنامه ۲۲۳۱ منظور بوده – تسلیم ایران در پی فشار سیاسی و اقتصادی را تسهیل کند.

بزنگاه‌ها فعال و اصول‌بنیادین تاریخی و فرهنگی ما همچون گرایش‌های دینی، اخلاقی و فرهنگ جمعی، وطن و مرزهای هویتی، محور ثبات و انسجام قرار گیرد و در عین حال تنوع دیدگاه‌ها، رفتارها و گرایش‌های فکری و سیاسی، شبکهای از جریان‌های متصل به این اصول مرکزی ایجاد کند که هر یک نقش مکمل در پویایی و استقامت کل ساختار دارد. در این الگوی شبکه‌ای، انسجام جامعه نه به سبب تمرکز قدرت و از بالا به پایین، بلکه از طریق تعامل میان گروه‌ها و جریان‌های متعدد شکل می‌گیرد؛ بدین ترتیب افراد می‌توانند هویت خود را حفظ کنند و در عین حال حول ارزش‌های ایجابی مشترک متحد بمانند. از سوی دیگر، با تقویت انسجام شبکه‌ای و گسترش تعامل میان گروه‌ها، فرایند گفت‌وگو در گروه‌های مختلف تسهیل می‌شود و افراد احساس آزادی بیشتری در بیان دیدگاه‌های خود پیدا می‌کنند. این امکان، ایجاد همدلی اجتماعی را ممکن می‌سازد؛ همدلی‌ای که گارد‌های پیشین نسبت به «دیگری» را می‌شکند و زمینه هم‌فهمی و هم‌سویی معرفتی را در مسائل اختلافی فراهم می‌آورد. هم‌سویی معرفتی، یکی از بنیان‌های مهم برای شکل‌گیری وحدت پایدار است اما به‌رغم آنچه معمولاً به نظر می‌رسد، استدلال‌ورزی برای این هم‌سویی معرفتی چندان کارآمد نیست. درک و معرفت جمعی نه صرفاً نتیجه استدلال منطقی و تحلیل عقلانی، بلکه محصول فضایی است که در آن احساسات مشترک و تحلیل جمعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری و هم‌سویی معرفتی می‌شود. زمانی که گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و فکری، در یک بستر همدانه بتوانند به تصویر مشترکی از داشته‌ها، ارزش‌ها و اهداف جامعه در ذهن خود نایل شوند، وحدت دیگر صرفاً یک ابزار دفاعی در برابر تهدید یا بحران نیست، بلکه به ظرفیتی فعال و مولد برای اشاعه هنجارهای اجتماعی مطلوب و تولید ارزش‌های جمعی تبدیل می‌شود.

■ پژوهشگر فلسفه

روی آن بحث کرد. مشخص است بحث و اقامه ادله برای رد تحلیل، اقدامی عبث است که لزوماً منجر به کشف واقعیت نمی‌شود و این موضوع خود به خود باعث معتبر شدن این تحلیل، در بخشی از مخاطبان خواهد شد.

لذا این دیدگاه که ادعاهای امثال آقایان صدر و متقی، یک «تحلیل شخصی» است، قابل قبول نیست. زمانی این ادعاها در قالب تحلیل حساب می‌شوند که مدعی برای اثبات آن، شواهد و گزاره‌های واقعی و منطقی اقامه کند. در غیر این صورت، این ادعاها در قالب تخیل محاسبه می‌شود و در برابر این تخیل‌ها، نباید انتظار داشت یک بحث و مجادله منطقی ایجاد شود.

نظر پیرامون آن را جایز دانست. ضمن اینکه در چنین مواقعی، بحث و تبادل نظر پیرامون آن موضوع اتفاقاً زمینه‌ساز انحراف از واقعیت می‌شود. در واقع بحث و مجادله بر سر چیزی که از اساس وجود ندارد، نه تنها لزوماً منجر به کشف واقعیت و حقیقت نمی‌شود، بلکه خود به خود، اذهان و افکار به سمت یک گزاره غیرموجود نیز منحرف می‌شود، چراکه بحث پیرامون آن، در بدایت امر، موجب شدن یک امر غیرواقعی را موجب می‌شود. یعنی به یک گزاره غیرواقعی و غیرموجود، اعتبار بخشیده می‌شود. بنابراین در چنین مواقعی باید میان تحلیل و تخیل خط کشید. هر تخیلی را نمی‌توان به عنوان تحلیل پذیرفت و سپس

تحلیل یا تخیل؟

باید یکسری مستندات واضح مبنی بر غیبرطبیعی بودن و سناحه نبودن سقوط وجود داشته باشد تا استدلال خرابکاری ایجاد شود، سپس در استنتاج موضوع، یعنی عامل خرابکاری بحث شود. یا در ماجرای انفجار بندر شهید رجایی، باید ابتدا شواهد و گزاره‌های روشن مبنی بر عمدی بودن اتفاق کشف و ثابت گردد تا استدلال خرابکاری ثابت شود، آنگاه در نتیجه‌گیری منشأ و عامل این خرابکاری، طرفین تحلیل‌های خود را ارائه دهند.

بنابراین تحلیل زمانی ایجاد می‌شود که مستندو مستظهر به گزاره‌های روشن باشد اگر نه بیان هر نظری درباره هر موضوعی را نمی‌توان در قالب تحلیل حساب کرد و سپس بحث و اختلاف

ادامه از صفحه اول

به عبارتی، زمانی یک اظهارنظر به عنوان تحلیل پذیرفته می‌شود و رسمیت می‌یابد که مستظهر به لوازم منطقی و الزامات عقلی باشد. یعنی برای آن، استدلال داشته باشد. آنکه

پیرامون آن می‌توان به بحث نشست. به عبارت دقیق‌تر، اختلاف نظر زمانی شکل می‌گیرد که طرفین در خلق و ایجاد استدلال مشترک باشند اما استنتاج، محل مناقشه باشد. به عنوان نمونه، در ماجرای سقوط هلی کوپتر شهید رئیسی،

